

بررسی و تحلیل لایحه یک شوری برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۲ - ۱۴۰۶)



پژوهشگرده
سیاست پژوهی و
مطالعات راهبردی
حکمت



مهر ماه ۱۴۰۲

بِحَسْبِ الْهَيْلَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان: بررسی و تحلیل لایحه یک شوری برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۶ - ۱۴۰۲)
تدوین: گروه‌های سیاست‌پژوهی اجتماعی و فرهنگی، اقتصاد و صنعت،
حقوق و سیاست، علم و فناوری پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات
راهبردی حکمت

طراح جلد و صفحه‌آرا: محمدحسین یدی

ویراستار: محمدحسین یدی

تاریخ انتشار: مهر ۱۴۰۲

شمارگان: محدود

نشانی: بالاتر از چهارراه ولیعصر^(عج)، خیابان بزرگمهر، خیابان سرپرست، پلاک ۱

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۷۴۳۲۸

همه حقوق این اثر به پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت تعلق دارد.



۱.	مقدمه	۷
۲.	نکات کلی درباره لایحه برنامه هفتم توسعه	۹
۲.۱.	انجماد در واژه توسعه، علی رغم رهنمون‌های اولیای کشور	۹
۲.۲.	تقلیل توسعه به رشد اقتصادی و تقدم اقتصاد بر فرهنگ	۹
۲.۳.	نامشخص بودن جایگاه برنامه‌های توسعه در نظام سیاست‌گذاری کشور	۹
۳.	بررسی و تحلیل فصل‌های اقتصادی (فصل‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶)	۱۲
۳.۱.	نکات کلی پیرامون مواد اقتصادی در لایحه برنامه هفتم توسعه	۱۲
۳.۲.	پیشنهاد اصلاح تبصره ماده ۲	۱۲
۳.۳.	پیشنهاد اصلاح بند «الف» ماده ۳	۱۲
۳.۴.	پیشنهاد حذف بند «ث» ماده ۴	۱۳
۳.۵.	پیشنهاد اصلاح بند «ت» ماده ۴	۱۳
۳.۶.	پیشنهاد اصلاح ماده ۶	۱۳
۳.۷.	پیشنهاد اصلاح تبصره ۴ بند «پ» ماده ۶	۱۴
۳.۸.	پیشنهاد حذف بند «ب» ماده ۱۱	۱۴
۳.۹.	پیشنهاد اصلاح ماده ۱۴	۱۴
۳.۱۰.	پیشنهاد اصلاح بند «الف» ماده ۱۶	۱۵
۳.۱۱.	پیشنهاد الحاق یک تبصره به بند «پ» ماده ۱۶	۱۵
۳.۱۲.	پیشنهاد افزودن یک بند به ماده ۱۶	۱۵
۳.۱۳.	پیشنهاد الحاق یک بند به ماده ۱۸	۱۶
۳.۱۴.	پیشنهاد الحاق یک بند به ماده ۲۰	۱۶
۳.۱۵.	پیشنهاد اصلاح جز «ش» ماده ۲۹	۱۶
۳.۱۶.	پیشنهاد الحاق یک تبصره به بند «ش» ماده ۲۹	۱۶
۳.۱۷.	پیشنهاد اصلاح بند «ص» ماده ۲۹	۱۶
۳.۱۸.	پیشنهاد اصلاح ماده ۳۱ و بند الف	۱۶
۳.۱۹.	پیشنهاد حذف جزء ۱ از بند «الف» ماده ۳۹	۱۷
۴.	بررسی و تحلیل فصل ۱۸: سیاست داخلی و ارتقاء سلامت اجتماعی	۱۹

- ۴.۱. اصلاح عنوان فصل ۱۸ با توجه به کلیت آن و اختصاص نداشتن به موضوعات ذیل آن ۱۹
- ۴.۲. وضع شاخص‌های کلی و غفلت از الزامات مالی در تدوین فصل سلامت اجتماعی ۱۹
- ۴.۳. عدم اختصاص ماده، تبصره یا حکم در مورد برخی از کمیت‌های جدول اهداف برنامه فصل سلامت اجتماعی ۲۰
- ۴.۴. مبهم و تفسیرپذیر بودن کمیت مطلوب بهبود شاخص آسیب‌های اجتماعی ۲۰
- ۴.۵. ایرادات مرتبط با بند «الف» ماده ۸۵ ۲۰
- ۴.۶. پیشنهاد اصلاح بند «ب» ماده ۸۵ ۲۱
- ۴.۷. پیشنهاد اصلاح بند «ج» ماده ۸۵ ۲۱
- ۴.۸. پیشنهاد احکامی برای بند «چ» از ماده ۸۵ ۲۲
- ۴.۹. پیشنهاد حکم ناظر بر کاهش آسیب‌های اجتماعی ۲۲
۵. بررسی و تحلیل فصل ۱۹: ارتقاء نظام آموزشی ۲۴
- ۵.۱. پیشنهاد اصلاح ماده ۸۷: اصلاح ردیف اول از جدول شماره ۲۰: ۲۴
- ۵.۲. پیشنهاد اصلاح بند «الف» ماده ۸۸ ۲۴
- ۵.۳. پیشنهاد اصلاح بند «ب» ماده ۸۸ ۲۴
- ۵.۴. پیشنهاد اصلاح بند «پ» ماده ۸۸ ۲۴
- ۵.۵. پیشنهاد اصلاح بند «پ» ماده ۸۹ ۲۴
- ۵.۶. پیشنهاد اصلاح بند «ت» ماده ۹۱ ۲۵
- ۵.۷. پیشنهاد الحاق ماده جدید ۲۵
۶. بررسی و تحلیل فصل ۲۰: ارتقاء نظام علمی، فناوری و پژوهشی ۲۷
- ۶.۱. نکاتی درباره کلیات احکام: ۲۷
- ۶.۲. پیشنهاد اصلاح ماده ۹۴ ۲۷
- ۶.۳. پیشنهاد اصلاح ماده ۹۵ ۲۷
- ۶.۴. پیشنهاد اصلاح ماده ۹۷ ۲۸
- ۶.۵. مغایرت و تضاد برخی بندها و تبصره‌های ماده ۹۶ و ۹۸ با اهداف اصلی و عناوین این مواد ۲۸
- ۶.۶. پیشنهاد الحاق یک ماده به فصل ۲۰: ارتقاء نظام علمی، فناوری و پژوهشی ۲۹
۷. بررسی و تحلیل فصل‌های ۲۱ و ۲۲: سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی ۳۲
- ۷.۱. کم توجهی به مسائل روز ایران در منطقه و نظام بین‌الملل ۳۲

- ۷.۲. پیشنهاد اصلاح ماده ۱۰۰ با توجه به نقش سازمان صدا و سیما و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ۳۳
- ۷.۳. پیشنهاد اصلاح ماده ۱۰۰ با توجه به نقش نهادهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی کشور ۳۳
- ۷.۴. پیشنهاد الحاق یک بند به ماده ۱۰۳ در خصوص ۳۳
- ۷.۵. پیشنهاد الحاق ماده یا بند به منظور ملاحظه نقش برای شورای هماهنگی اطلاعات کشور ۳۳
۸. بررسی و تحلیل فصل ۲۴: تحول قضائی و حقوقی ۳۵
- ۸.۱. کم توجهی به سیاست های کلی برنامه هفتم توسعه در بخش قضایی ۳۵
- ۸.۱.۱. پرداخت ضعیف به موضوع پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی: ۳۵
- ۸.۱.۲. پیشنهاد الحاق مواد یا بندهای مرتبط با موضوعات زیر در فصل ۲۴: ۳۵
- ۸.۲. اصلاح بند «الف» ماده ۱۱۳: ۳۵
- ۸.۳. اصلاح بند «ب» ماده ۱۱۳: ۳۶



مقدمه

برنامه‌های توسعه کشور به عنوان یکی از سازوکارهای پیاده‌سازی مطلوبات و سیاست‌های نظام حکمرانی کشور محسوب شده و در افق پنج‌ساله خطوط حرکت نظامات اجرایی کشور را ترسیم و تجویز می‌نمایند. از این رو لازم است در تدوین این برنامه‌ها اصول و قواعدی مورد توجه قرار گیرد تا تحقق هرچه بهتر و بیشتر آنها تضمین شود.

اتخاذ رویکرد برنامه‌ای منسجم و منطبق با نظام حکمرانی کشور، توجه به اسناد و سیاست‌های بخشی و فرباشی حوزه‌های مختلف برنامه، مانند سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری (مدظله) به تفکیک هر حوزه و سیاست‌های ابلاغی خاص هر برنامه، قوانین ناظر و مرتبط، نظام مسائل پدیدار و نوپدید خرد و کلان جامعه در مقاطع حال و آینده، تحلیل وضعیت و موقعیت راهبردی (درونی و محیطی) خرد و کلان برنامه، واقع‌نگری و توجه به الزامات پیاده‌سازی برنامه‌ها، جامعیت در پوشش اهداف و نیازها، تدارک سازوکارهای اجرایی لازم، استمرار و تداوم مسیر توسعه‌ای مطلوب کشور، جلب مشارکت ذی‌ربطان و همگام‌سازی آنها در مسیر اجرا و فراهم آوردن نظام سنجش و ارزیابی مستمر برنامه به منظور پایش و اندازه‌گیری تحقق برنامه و ارائه بازخوردهای اصلاحی لازم و بهنگام، از جمله اصول و قواعد لازم برای تدوین یک برنامه مطلوب است که ضمن تضمین کیفیت تدوین و اجرای آن، معیارهایی را برای ارزیابی نیز فراهم می‌آورد.

در این راستا پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت مبتنی بر اهمیت موضوع و مأموریت محوری سیاست‌پژوهی خود، بررسی و تحلیل « لایحه یک شوری برنامه هفتم توسعه کشور (۱۴۰۶-۱۴۰۲) » را مبتنی بر معیارهای پیش‌گفته در گروه‌های تخصصی ذیل پژوهشکده منصفانه و همت خود قرار داد و از این رهگذر تحلیل‌ها و پیشنهادات درخوری را پیرامون این لایحه فراهم نمود که در گزارش پایش رو ارائه گردیده است.



نکات کلی درباره لایحه برنامه هفتم توسعه

۲ نکات کلی درباره لایحه برنامه هفتم توسعه

۲/۱. انجماد در واژه توسعه، علی‌رغم رهنمون‌های اولیای کشور

با دیدن عبارت «توسعه» در عنوان «لایحه برنامه‌ی هفتم توسعه (۱۴۰۲-۱۴۰۶)» نخست این پرسش بذهن می‌رسد که این برنامه گویا دچار «انجماد» است و با رهنمون‌های اولیای کشور که حتا برای «نهاد» (الگوی اسلامی-ایرانی پیش‌رفت) بنیان‌گذاری شده و بسیاری بیش‌و‌کم و گاهی سطحی بلکه شعاری در راستایش می‌کوشند، پیش‌نمی‌رود و فارغ از آن است؛ زیرا اولیای کشور چندی‌ست که تعبیر «پیش‌رفت» را بر توسعه برتری داده و خواسته‌اند که گفتمان پیش‌رفت در برابر گفتمان توسعه تبیین و ترویج شود. هرچند کلمه‌ی پیش‌رفت وضعی بدتر از توسعه دارد؛ زیرا ایده‌ی مسیحی پیش‌رفت را که تاریخش از آگوستین تا بوسوئه بلکه هگل است و امروز اگرچه منتقدانی دارد، بنحوی «غالب» است، بذهن متبادر می‌کند و چه بهتر که بجای آن از عبارت قرآنی «عمران» (هو أنشأکم من الأرض واستعمرکم فیها) که در ادبیات جهان اسلام سابقه دارد (ابن خلدون) یا تعبیر فارسی-ایرانی «آبادانی» و یا ترکیب «آبادانی و پیش‌رفت» با تقدم آبادانی بهره رود.

۲/۲. تقلیل توسعه به رشد اقتصادی و تقدم اقتصاد بر فرهنگ

با دیدن فهرست این برنامه: ۱. اقتصادی، ۲. زیرساختی، ۳. فرهنگی و اجتماعی، ۴. علمی، فناوری و آموزشی، ۵. سیاست خارجی، ۶. دفاعی و امنیتی و ۷. اداری، حقوقی و قضائی و دقت در ترتیب آن، بنحوی «تقلیل» توسعه بر رشد اقتصادی بلکه تقدم اقتصاد بر فرهنگ و حتا زیربناییت آن در ذهن تداعی می‌شود؛ چنان‌که شاید با سنجش حجم بخش اقتصادی با بخش‌های دیگر (جز فرهنگی و اجتماعی) نیز چنین دریافت گردد! گفتنی‌ست که در همان آغاز بخش فرهنگی و اجتماعی (فصل یازدهم فرهنگ عمومی و سبک زندگی)، ب«اقتصاد فرهنگ» اشاره شده (ماده‌ی ۱۵۷) و از همه روشن‌تر، در پیش‌گفتار همه‌اش از ارقام رشد سخن رفته است. همه می‌دانند که در جهان این تقلیل دیگر چندان خریداری ندارد و البته، شاید بتوان این وضع را با مفهوم متبادر از «پیوست فرهنگی» (ماده‌ی ۱۵۸) سازگار دانست؛ زیرا در آن، فرهنگ پیوست و پیرامون است؛ نه متن و مرکز و گویی بجای آن‌که فرهنگ ساری در برنامه‌ها (در معنای اعم) باشد، چیزی بدان افزوده، چسبیده و پیوست‌شده است؛ البته، آن اولیای جامعه که عبارت پیوست فرهنگی را بکار برده و بر ضرورت آن تأکید کرده‌اند، مقصودشان چنان‌که از صریح کلام‌شان آشکارست (التفات بلوازم فرهنگی هر حرکت)، چنین نبوده.

۲/۳. نامشخص بودن جایگاه برنامه‌های توسعه در نظام سیاست‌گذاری کشور

با آن‌که هفتمین قانون برنامه‌ی توسعه‌ی پس از انقلاب ۵۷ نگاشته شده؛ ولی هنوز جا دارد درباره‌ی ۱. چیستی، ۲. چرایی و ۳. چگونگی برنامه‌ی توسعه سخن گفت و پرسید: برنامه‌ی توسعه چه کارکرد و سودی دارد؟! این پرسش بویژه با توجه بتحقیق نیافتن برنامه‌های توسعه‌ی پیشین مرتکز اذهان است که این‌همه

«هزینه» برای تدوین این برنامه‌ها از چه روست و گاه بنظر می‌رسد نگاشتن برنامه‌ی توسعه بیش‌تر یک «عادت» گریزناپذیر شده؛ پس شایسته است درباره‌ی کان تامه و ناقصه‌اش تجدیدنظر شود. نیز چندان آشکار نیست که این «کلان‌برنامه» (بویژه را توجه ببینش «برنامه‌ریزی ناقلیدسی») با دیگر اسناد مانند «سیاست‌های کلی» چه تفاوتی دارد و آیا در مقام «راهبرد»ست یا نه؛ بویژه که در همین پیش‌نوشت قانون برنامه‌ی هفتم یک «ناهم‌گونی» دیده می‌شود؛ مانند آن که در برخی موارد بسیار جزئی و تفصیلی‌ست (برای نمونه مواد ۲۰۱ تا ۲۱۱ درباره‌ی ایثارگران از فصل ۱۵م بخش سوم) و در مواردی دیگر کلی بلکه اجمالی‌ست؛ اما یک کارکرد را که می‌توان بر گرده‌ی برنامه‌ی توسعه نهاد و کم‌ترین انتظاری‌ست که می‌توان از آن داشت، ترویج یک «ادبیات» است؛ چنان‌که در مورد پیشین نیز بدان اشاره شد.



بررسی و تحلیل فصل‌های اقتصادی
(فصل‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶)

۳ بررسی و تحلیل فصل‌های اقتصادی (فصل‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶)

۳/۱. نکات کلی پیرامون مواد اقتصادی در لایحه برنامه هفتم توسعه

لایحه برنامه هفتم توسعه که توسط دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است، نشان از وجود برخی نقاط ضعف در آن دارد. بسیاری از مواد مندرج در لایحه برنامه کلی هستند و جنبه‌های اجرایی آنها دچار ابهام است. از مهم‌ترین نقدها در این خصوص می‌توان به عدم اولویت‌بندی راهبردهای کلان، عدم تعیین بخش‌های اقتصادی در اولویت، عدم تعیین صنایع پیشران و عدم توجه به اقتصاد دانش‌بنیان اشاره نمود. علاوه بر این، در این سند، لحاظ یا عدم لحاظ شرایط تحریمی کشور نیز با ابهام همراه است. همچنین، به اقتصاد تعاون که ظرفیت بالقوه برای ارتقاء رشد اقتصادی محسوب می‌شود و می‌تواند گامی مهم در حوزه مردمی‌سازی اقتصاد تلقی شود نیز در لایحه توجه نشده است. در کنار موارد بالا، برخی مواد موجود در متن لایحه نیاز به اصلاح دارند و حتی بعضاً غیرضروری بوده و لازم است حذف شوند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

۳/۲. پیشنهاد اصلاح تبصره ماده ۲

در تبصره مربوط به ماده ۲، به منظور ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید، سازمان اداری و استخدامی کشور (سازمان ملی بهره‌وری) نهاد اصلی تهیه دستورالعمل برنامه ارتقاء بهره‌وری معرفی شده است. بهتر است برای این منظور، دستگاه‌های اجرایی مبتنی بر دستورالعمل ابلاغی سازمان ملی بهره‌وری، برنامه اجرایی خود برای تحقق دستورالعمل را ارائه دهند و سازمان ملی بهره‌وری نسبت به پایش و گزارشگری عملکرد دستگاه‌های اجرایی اقدام نماید. متن اصلاح شده تبصره بدین‌گونه خواهد بود:

«به منظور ارتقاء بهره‌وری کل عوامل تولید، سازمان اداری و استخدامی کشور (سازمان ملی بهره‌وری ایران) مکلف است با همکاری دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط، نسبت به تهیه دستورالعمل لازم برای ارتقای بهره‌وری به تفکیک بخش‌های مختلف از طریق هسته‌های فناوری، شرکت‌های خصوصی و دانش‌بنیان تا پایان سال اول برنامه اقدام نماید. دستگاه‌های اجرائی مکلف هستند برنامه اجرایی تحقق دستورالعمل ارتقا بهره‌وری را به سازمان ملی بهره‌وری ایران ارائه دهند و سازمان ملی بهره‌وری نیز مکلف است نسبت به پایش و گزارشگری عملکرد دستگاه‌های اجرایی اقدام نماید.»

۳/۳. پیشنهاد اصلاح بند «الف» ماده ۳

در بند الف ماده ۳، توجه به سه نکته حائز اهمیت است. نخست، از متن این بند اینگونه استنباط می‌شود که مسئول تحقق رشد اقتصادی هدف، دولت است و نقشی برای بخش خصوصی قائل نشده است. دوم، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف شده است برنامه تأمین مالی رشد اقتصادی هدف را به تصویب شورای اقتصاد برساند. حال آنکه تمامی موارد مندرج در این بند در سند بودجه سالانه دولت که در قالب لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود، وجود دارد و تصویب یک سند مجزا در شورای اقتصاد

موضوعیت ندارد. سوم، متوسط سالانه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی خارجی حداقل ۱۰ میلیارد یورو تعیین شده است؛ حال آنکه هیچ سازوکار مشخصی در خصوص طرح‌هایی که می‌توانند از تأمین مالی خارجی استفاده کنند، وجود ندارد. پیشنهاد می‌شود در این جزء صرفاً به تعیین سازوکار نحوه بکارگیری سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین مالی خارجی پرداخته شود. متن اصلاحی این بند اینگونه خواهد بود:

«متوسط سالانه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی خارجی با هدف تحریک رشد اقتصادی به منظور تحقق رشد اقتصادی هدف حداقل ۱۰ میلیارد یورو تعیین می‌شود. وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است با همکاری سازمان، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های اجرائی نسبت به تهیه دستورالعمل بکارگیری تأمین مالی خارجی و ترکیب آن (وام و اشکال مختلف سرمایه‌گذاری) و طرح‌های مشمول آن اقدام نماید».

۳/۴. پیشنهاد حذف بند «ث» ماده ۴

در این بند به دولت اجازه داده شده است به منظور تسریع و تسهیل در فرایندهای پرداخت و وصول مالیات و کسور بیمه از طرف واحدهای کسب‌وکار، فرایند وصول دریافت حق بیمه را توسط سازمان امور مالیاتی کشور انجام دهد. با توجه به نبود ظرفیت مناسب به منظور ادغام اطلاعات و انتقال اطلاعات به سازمان امور مالیاتی، پیشنهاد می‌شود در مقطع کنونی از هرگونه اقدام در این راستا پرهیز شود.

۳/۵. پیشنهاد اصلاح بند «ت» ماده ۴

این بند به اصلاح رویه‌های گمرکی با هدف جلوگیری از بیش‌اظهاری در واردات و کم‌اظهاری در صادرات می‌پردازد. بهتر است در متن این بند، بر بکارگیری «فناوری‌های نوین در مبادی گمرکی» تأکید شود. متن اصلاح شده این بند به شرح زیر است:

«وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است ظرف سه ماه پس از ابلاغ این قانون نسبت به اصلاح سازوکارهای گمرکی با تأکید بر بکارگیری فناوری‌های نوین در مبادی گمرکی برای جلوگیری از هرگونه بیش‌اظهاری در واردات و کم‌اظهاری در صادرات اقدام نماید».

۳/۶. پیشنهاد اصلاح ماده ۶

براساس این بند، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف است با همکاری دستگاه‌های اجرایی برنامه کمی سالانه ایجاد اشتغال توسط برخی از وزارتخانه‌ها را تهیه نماید. بهتر است دستگاه‌های اجرایی تنها از مسیر سیاست‌گذاری و اعطای برخی حمایت‌ها نظیر تسهیلات ارزان قیمت (که موضوع بند پ همین ماده است) در جهت افزایش اشتغال گام بردارند. تعیین سهمیه کمی سالانه ایجاد شغل برای هر وزارتخانه نشان می‌دهد نگراننده، دولت را مسئول ایجاد شغل در جامعه می‌داند و این موضوع می‌تواند به افزایش تصدی‌گری دولت در اقتصاد منجر شود. بطور کلی پیشنهاد می‌شود در ماده ۶، تمامی موارد مرتبط با «تعیین سهمیه»، از متن ماده حذف شوند.

۳/۷. پیشنهاد اصلاح تبصره ۴ بند «پ» ماده ۶

در تبصره ۴ این بند عنوان شده است که اعطای تسهیلات به متقاضیان ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای خرد خانگی، بر مبنای تعهد دهیاران و معتمدین انجام گیرد. به نظر می‌رسد ضمانت اجرایی محتوای این تبصره با ابهام همراه است. پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، سازوکار اجرایی این تبصره را به شبکه بانکی ابلاغ نماید و بر نحوه اجرای آن نظارت کند. پیشنهاد می‌شود جمله زیر به انتهای متن تبصره افزوده شود:

«بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، سازوکار اجرایی اعطای تسهیلات به کسب‌وکارهای خرد خانگی را به شبکه بانکی ابلاغ نماید و بر نحوه اجرای آن نظارت کند».

۳/۸. پیشنهاد حذف بند «ب» ماده ۱۱

بند ب از ماده ۱۱ به بانک مرکزی اختیار هر نوع مداخله ارزی و ریالی در بازار ارز و طلا را اعطا می‌کند. درج عبارت «هر نوع مداخله» ممکن است دارای ابهام باشد و خطر اتخاذ سیاست‌های صلاح‌دیدگی را افزایش می‌دهد. از سویی دیگر، در اقتصاد ایران در حال حاضر چهارچوب سیاستی مشخصی که نحوه مداخله بانک مرکزی در بازار ارز را ضابطه‌مند نماید، وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود این بند از ماده ۱۱ حذف شود.

۳/۹. پیشنهاد اصلاح ماده ۱۴

در ماده ۱۴ اشاره شده است با هدف کاهش ناپایداری منابع مالی دولت، منابع حاصل از صادرات نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز پس از کسر سهم وزارت نفت به حساب صندوق توسعه ملی واریز شود و سهم دولت از این منابع که در قوانین بودجه تعیین شده است به صورت یک دوازدهم پرداخت شود. محتوای این ماده با هدفی که در ابتدای متن آن اشاره شده است همخوانی ندارد. اینکه سهم دولت از منابع حاصل از نفت در بودجه تعیین شود و از صندوق پرداخت شود به کاهش ناپایداری منابع مالی دولت منجر نخواهد شد. پیشنهاد می‌شود یک رقم ثابت از درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز به دولت اختصاص داده شود و علاوه بر این، سهم وزارت نفت و شرکت ملی نفت نیز از حالت ۱۴.۵ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تغییر یابد و بودجه این شرکت نیز به مانند سایر دستگاه‌های اجرایی در قالب بودجه موردنیاز جاری و سرمایه‌ای تنظیم شود. متن اصلاحی ماده ۱۴ به شرح زیر خواهد بود:

«با هدف کاهش ناپایداری منابع مالی دولت، منابع حاصل از صادرات نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز، به حساب صندوق توسعه ملی نزد بانک مرکزی واریز شود. صندوق توسعه ملی مکلف است رقم ثابت (... میلیارد دلار^۱) سهم دولت از این منابع را به صورت یک دوازدهم در اختیار دولت قرار دهد. بانک مرکزی معادل ریالی منابع ارزی سهم دولت را به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌نماید».

۳/۱۰. پیشنهاد اصلاح بند «الف» ماده ۱۶

بند الف از ماده ۱۶ تمامی دستگاه‌های دولتی را ملزم نموده تا اطلاعات مربوط به اراضی، املاک و اموال غیرمنقول خود را در سامانه جامع اموال دستگاه‌های اجرایی ثبت نمایند. با این حال، در این بند هیچ سقف زمانی برای این موضوع در نظر گرفته نشده است. پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت این موضوع به عنوان بخشی از پیشنهادهای اجرای صحیح مولدسازی دارایی‌های دولت، مدت زمانی که دستگاه‌ها فرصت به انجام این مهم را دارند نیز در متن افزوده شود. متن اصلاحی به شرح زیر خواهد بود:

«دستگاه‌های اجرایی حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون ملزم به ثبت اطلاعات اراضی، املاک و سایر اموال غیرمنقول از جمله انفال و اموال تملیکی که به عنوان مالک، بهره‌بردار، متولی و نماینده در اختیار دارند اعم از اینکه مورد بهره‌برداری بوده یا متولی واگذاری باشند (دارای سند مالکیت یا فاقد سند مالکیت، اجاره‌ای، وقفی و حقوق و امتیازات مرتبط با اموال غیرمنقول از جمله حق انتفاع، حق ارتفاق و حق سرقفلی) در سامانه جامع اموال دستگاه‌های اجرایی (سادا) هستند. فهرست این اموال لازم است در پایان هر سال توسط دستگاه‌های اجرایی مربوطه بروزرسانی شود. هرگونه پرداخت بابت تجهیز، نگهداری و سایر هزینه‌ها برای موارد ثبت نشده در سامانه سادا ممنوع است. عدم اجرای این بند توسط مدیران مربوط دستگاه‌های اجرایی تخلف محسوب می‌شود».

۳/۱۱. پیشنهاد الحاق یک تبصره به بند «ب» ماده ۱۶

بند ب از ماده ۱۶ نیز دستگاه‌های اجرایی را مکلف کرده تا ظرف مدت یکسال نسبت به فروش اموال مازاد بر استاندارد مطابق دستورالعمل هیئت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت اقدام کنند. در غیر این صورت، عنوان بهره‌بردار به وزارت اقتصاد منتقل خواهد شد. به نظر می‌رسد تعیین سقف یکساله برای فروش اموال غیرمنقول مازاد دستگاه‌ها بسیار کوتاه بوده و به تعجیل و کم دقتی دستگاه در انجام این مهم منجر خواهد شد. اموال غیرمنقول دستگاه‌ها از آنجا که دارایی آنها محسوب می‌شود، بایستی در قالب یک برنامه منظم، مدیریت شده و در قالب سازوکاری باشد تا حداکثر بازدهی و کارآمدی را به دنبال داشته باشد و تعیین سقف یکساله به عملکرد ضعیف دستگاه‌ها منجر خواهد شد. متن تبصره پیشنهادی به شرح زیر است:

«دستگاه اجرایی مالک دارایی مازاد چنانچه تشخیص دهد در صورت در اختیار داشتن زمان بیشتر، واگذاری یک دارایی خاص را با کارآمدی و اثربخشی بالاتری انجام خواهد داد و در صورتی که درخواست دستگاه مذکور به تأیید سازمان برنامه و بودجه برسد، سقف زمانی یکساله به دو سال افزایش می‌یابد».

۳/۱۲. پیشنهاد افزودن یک بند به ماده ۱۶

«سازمان مکلف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، سامانه مرتبط با فروش و مولدسازی دارایی‌های دولت را راه‌اندازی نماید. در سامانه مذکور تمامی اموال غیرمنقول مازاد دستگاه‌های اجرایی به همراه اطلاعات تکمیلی (شامل مساحت، نوع کاربری، سن و جنس بنا و ...) فهرست شده و برای تمامی شهروندان مشاهده‌پذیر باشد (ارائه عمومی اطلاعات اموال غیرمنقول مازاد دستگاه‌ها و نهادهای امنیتی می‌تواند استثناء شود). سازمان مکلف است حداکثر شش ماه پس از راه‌اندازی سامانه فروش و

مولدسازی دارایی‌های دولت، امکان برگزاری فرایند مناقصه / مزایده واگذاری دارایی‌های دولت در سامانه مذکور و شرکت تمامی شهروندان در فرایند را فراهم نماید».

۳/۱۳. پیشنهاد الحاق یک بند به ماده ۱۸

«سازمان مکلف است حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون، تمامی امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری (شامل آموزش نیروی انسانی) موردنیاز برای پیاده‌سازی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در دستگاه‌هایی که لزوم پیاده‌سازی این شیوه از بودجه‌ریزی در آنها به تصویب هیات وزیران رسیده است را فراهم نماید».

۳/۱۴. پیشنهاد الحاق یک بند به ماده ۲۰

«سازمان مکلف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، لایحه مشارکت عمومی- خصوصی را با انجام اصلاحات به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد».

۳/۱۵. پیشنهاد اصلاح جز «ش» ماده ۲۹

در این بند مقرر شده است تداوم معافیت مالیاتی بیمه شدگان بدون کارفرما در سازمان تأمین اجتماعی منوط به ارزیابی آزمون وسیع توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باشد و سالانه ۱۰ درصد از افرادی که دارای استطاعت مالی هستند، حذف و معادل ۵۰ درصد افراد حذف شده، افراد پشت نوبتی از تسهیلات معافیت بیمه‌ای بهره‌مند شوند. نکته حائز اهمیت اینکه در صورت تأیید استطاعت مالی افراد، بهتر است نسبت بیشتری از آنها (ترجیحاً ۱۰۰ درصد) از ایشان حذف و معادل ۵۰ درصد از آنها از معافیت مالی بهره‌مند شوند. پیشنهاد می‌شود رقم ۱۰ درصد از متن این بند به ۱۰۰ درصد تغییر یابد.

۳/۱۶. پیشنهاد الحاق یک تبصره به بند «ش» ماده ۲۹

«بانک مرکزی مکلف است تمامی اطلاعات بانکی موردنیاز وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به منظور ارزیابی استطاعت مالی افراد را در اختیار آن وزارتخانه قرار دهد».

۳/۱۷. پیشنهاد اصلاح بند «ص» ماده ۲۹

«در این بند مقرر شده است تا معافیت ۲۰ درصدی سهم کارفرمایی موضوع قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما تا پنج نفر، مصوب ۱۳۶۱ و اصلاحات بعدی آن سالانه نیم درصد (۰.۵٪) کاهش یابد. پیشنهاد می‌شود این رقم به سالانه یک واحد درصد (۱٪) تغییر یابد».

۳/۱۸. پیشنهاد اصلاح ماده ۳۱ و بند الف

در متن ماده ۳۱، به منظور توسعه عدالت اقتصادی و بهبود توزیع درآمد اقداماتی منظور شده‌اند که باید تا پایان سال اول برنامه انجام شوند. یکی از اقدامات مورد تأکید نیز اصلاح سازوکار تخصیص یارانه‌های انرژی برای ایرانیان ساکن در کشور است. نکته اینکه انجام این مهم تا پایان سال اول برنامه به هیچ عنوان

امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود در تعیین مهلت زمانی مندرج در ماده ۳۱ تجدیدنظر صورت گیرد.

«همچنین، در بند الف دولت صرفاً «مجاز» شده است تا برنامه عدالت در توزیع درآمد، مبارزه با قاچاق و بهینه‌سازی مصرف انرژی را پیگیری نماید. به نظر می‌رسد قرارگیری لفظ «مجاز» نشان از عزم پایین دولت برای این منظور و مبهم بودن مسیر دارد. پیشنهاد می‌شود دولت «مکلف» به اجرای این بند شود.

۳/۱۹. پیشنهاد حذف جزء ۱ از بند «الف» ماده ۳۹

در بند ۱ بند الف عنوان شده است تا آب‌بهای مصارف تجاری و اداری براساس ارزش اقتصادی آنها تعیین و به تصویب هیئت وزیران برسد. درج لفظ «ارزش اقتصادی» با ابهام همراه است و مشخص نیست سازوکار محاسبه آن چگونه خواهد بود. همچنین، با توجه به متفاوت بودن منابع آب در دسترس در مناطق مختلف کشور، ارزش اقتصادی آنها نیز طبیعتاً متفاوت خواهد بود و در این شرایط لازم است برای هر منطقه ارزش اقتصادی متفاوتی محاسبه شود که این موضوع بر پیچیدگی تحقق آن خواهد افزود. پیشنهاد می‌شود در حال حاضر، آب‌بهای مصارف تجاری و اداری نیز براساس قاعده‌ای که در متن بند الف آمده است، محاسبه شود و بند ۱ از بند الف حذف شود.



**بررسی و تحلیل فصل ۱۸:
سیاست داخلی و ارتقای سلامت اجتماعی**

۴ بررسی و تحلیل فصل ۱۸: سیاست داخلی و ارتقای سلامت اجتماعی

۴/۱. اصلاح عنوان فصل ۱۸ با توجه به کلیت آن و اختصاص نداشتن به موضوعات ذیل آن

«سیاست داخلی (فصل ۱۸)» عنوانی عام است که بجز بخش «سیاست خارجی» از برنامه را دربرمی‌گیرد؛ اما آن را عنوان فصل ۱۳م از بخش فرهنگی و اجتماعی نهاده‌اند. همچنین در این خصوص ذکر چند نکته حائز اهمیت است:

الف) اگرچه ارتقای سلامت اجتماعی در تحکیم سیاست داخلی نظام اثرات غیر قابل انکاری دارد؛ لیکن، به نظر می‌رسد، هم‌آیندی بحث سیاست داخلی و سلامت اجتماعی با یکدیگر ذیل یک فصل، مناسبیتی ندارد. چراکه اولاً، تمرکز یکی بر تنظیم‌گری در عرصه سیاسی است و دیگری تنظیم‌گری عرصه اجتماعی. در ثانی، موضوع سیاست داخلی، اعم از سلامت اجتماعی است و وسعت قلمرو بیشتری دارد. ثالثاً، این مسئله موجب تقلیل هر کدام به چند حکم و تبصره گردیده و مانع از پرداخت جامع و همه‌جانبه به هر دو حوزه سیاست داخلی و سلامت اجتماعی شده است. به عنوان مثال: بحث سیاست داخلی در لایحه، صرفاً به ساماندهی مهاجرین و اتباع بیگانه تقلیل یافته است. از دیگر سوی، آنچه که می‌توان در خصوص اکنون وضعیت سیاست‌گذاری سلامت اجتماعی و برابر نهاد آن یعنی آسیب‌های اجتماعی در ایران سخن گفت، این است که مظاهری از بدخیم‌شدگی آسیب‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری آن در ایران، قابل مشاهده است. از آنجا که خود سیاست‌گذاری‌های آسیب‌های اجتماعی به مسئله‌ای کلان تبدیل شده، سیاست‌ها و راه‌حل‌های به کار رفته پاسخگوی حل آسیب‌ها نشده‌اند و موجی از پیامدهای نامطلوب در پس هر راه‌حلی قرار گرفته، بنابراین پیشنهاد می‌گردد؛ این دو موضوع در فصول جداگانه‌ای مورد بحث قرار گیرند.

ب) استفاده از مفهوم سلامت اجتماعی در عنوان فصل، ناشی از یک چرخش تحول آفرین و مثبت در رویکرد تدوین برنامه در مقایسه با برنامه‌های پیشین بوده و نقطه قوت لایحه محسوب می‌گردد، اما شوربختانه، در محتوای مواد، تبصره‌ها و احکام، به عادت مألوف، کماکان آسیب‌های اجتماعی، نقطه اتکا بوده و مباحث دیگر مرتبط با سلامت اجتماعی از جمله نشاط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و ... مورد توجه نبوده است.

۴/۲. وضع شاخص‌های کلی و غفلت از الزامات مالی در تدوین فصل سلامت اجتماعی

مقام معظم رهبری در متن نامه سیاست‌های ابلاغی برنامه پنج‌ساله هفتم فرموده‌اند: «شایسته است برخی از راه‌های تحقق سیاست‌ها و الزامات مالی و شاخص‌های کمی که در پیشنهادها جمع است و در مجموعه سیاست‌های ابلاغی مذکور نیست، در حد وسیع و امکانات دولت در تهیهی لایحه مورد توجه و عمل قرار گیرد»، ولی با وجود تاکید هوشمندانه ایشان، بررسی لایحه پیشنهادی در حوزه آسیب‌های اجتماعی حاکی از آن است که راه‌های تحقق سیاست‌ها به شکلی ضعیف مورد توجه قرار گرفته، «الزامات مالی» به کلی مورد غفلت واقع شده و در خصوص شاخص‌های کمی نیز، کلی‌گویی شده و صرفاً به یک جدول مختصر در ابتدای ماده ۸۴ اکتفا شده است.

۴/۳. عدم اختصاص ماده، تبصره یا حکم در مورد برخی از کمیت‌های جدول اهداف برنامه فصل سلامت

اجتماعی

- در جدول اهداف کمی فصل سلامت اجتماعی، سنجه‌های عملکردی، بر ارتقاء شاخص کل سرمایه اجتماعی در سطوح کلان، میانه و خرد تأکید شده است، اما هیچ ماده تبصره یا حکمی بدان اختصاص داده نشده است!

- در جدول یاد شده، «میزان ازدواج» به عنوان سنجه عملکردی درج شده است، اما هیچ ماده تبصره یا حکمی بدان اختصاص داده نشده است.

۴/۴. مبهم و تفسیرپذیر بودن کمیت مطلوب بهبود شاخص آسیب‌های اجتماعی

در جدول اهداف کمی فصل سلامت اجتماعی به بهبود ۲۵ درصدی شاخص آسیب‌های اجتماعی تأکید شده است که این مسئله مبهم و تفسیرپذیر می‌باشد. معلوم نیست ۲۵ درصد سالانه است یا ۲۵ درصد در طول اجرای برنامه. در این خصوص پیشنهاد می‌گردد، برای تنویر بیشتر، با مدنظر قراردادن فرمایش رهبری انقلاب، کاهش ۵ درصدی سالانه آسیب‌های اجتماعی درج گردد.

۴/۵. ایرادات مرتبط با بند «الف» ماده ۸۵

در «مورد بند الف ماده ۸۵» چنین آمده است: «اصلاح طرح جامع پایش (کنترل) و کاهش آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر تدوین برنامه مبتنی بر پیشگیری کنترل و کاهش اعتیاد، طلاق، حاشیه نشینی و مفاسد اجتماعی بر اساس شاخص‌های معتبر و زمان بندی متناسب، ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ این قانون، در شورای اجتماعی کشور».

در این خصوص، سه نکته حائز اهمیت است:

الف) پیش‌تر، وزارت کشور در اقدامی پیش‌دستانه و در راستای این بند از لایحه، اقدام به اصلاح طرح موصوف نموده که این طرح با وجود اعمال اصلاحات، هنوز واجد کیفیاتی اثربخش و متمایز از طرح سابق نبوده و ایراداتی چند به شرح ذیل بر آن وارد است:

اگرچه دلیل تدوین مجدد سند کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی به ضرورت اتخاذ رویکرد اسلامی در آن ذکر گردیده است؛ لیکن، به نظر می‌رسد این مسئله (رویکرد اسلامی) صرفاً در بخش مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی اضافه شده و در بخش طرح‌ها و برنامه‌ها که محقق‌کننده اهداف خواهد بود، تحولی دیده نشده و نهایتاً به اضافه نمودن «با رویکرد اسلامی» در انتهای هر برنامه اشاره شده است.

اگرچه تدوین کنندگان محترم سند به چرخش‌های تحول‌آفرین در متن سند اشاره کرده‌اند، لیکن، موارد اشاره شده به عنوان چرخش تحول‌آفرین از جمله چرخش از رویکرد سلبی به رویکرد ایجابی، چرخش از رویکرد درمان‌محور به پیشگیری موضوعی است که پیشتر در اسناد مرتبط (بند د ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب سال ۱۳۸۳؛ آئین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی مصوب ۱۳۸۴؛ بند ۴ سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۵؛ ماده ۸۰ قانون برنامه ششم توسعه مصوب سال ۱۳۹۶، سند جامع پیشگیری اولیه از اعتیاد، مصوب سال ۱۳۸۹) مورد تأکید و اشاره بوده است.

در خصوص فاعل و مجری طرح‌ها و برنامه‌ها، از منظر سندنویسی انتظار این است که دستگاه مجری و تکالیف هر دستگاه متناسب با مأموریت و شرح وظایف آن به صورت شفاف و دقیق در متن سند تصریح شود. همچنین لازم است در کنار نگاهت نهادی، سازوکاری برای ضمانت اجرای هر برنامه مد نظر قرار گیرد. که این مهم در سند اصلاح شده مدنظر قرار نگرفته، بنابراین لازم است در متن برنامه ضمانت‌های لازم جهت پرداختن سند به این موضوعات دیده شود.

ب) نکته قابل تامل دیگر استفاده از واژه «مفاسد اجتماعی» است. این واژه، مفهومی کلی و بسیار قابل تفسیر است. به گونه‌ای که در برنامه ششم توسعه، واژه «مفاسد اخلاقی»، در سیاست‌های کلی برنامه هفتم صرفاً از واژه «مفاسد» استفاده شده، در لایحه برنامه هفتم از واژه «مفاسد اجتماعی» و در سند اصلاح شده «مفاسد جنسی».

ج) با وجود آنکه، در لایحه پیشنهادی، اعتیاد اولویت نخست آسیب‌های اجتماعی ذکر شده است؛ لکن در ادامه، هیچ حکم مشخصی به این مسئله اختصاص داده نشده است. در این خصوص، احکام ذیل پیشنهاد می‌گردد:

«گسترش الگوی «دادگاه درمان مدار مواد مخدر» با بهره‌گیری از تجارب گذشته و اجرای پروتکل‌های بومی شده»

«رصد مستمر وضعیت فرزندان معتادین و مراقبت حمایتی از آنها با استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردمنهاد و مشاورین مدارس و پایگاه‌های بهداشت».

با توجه به ضرورت استفاده بهینه از منابع موجود، پیشنهاد می‌گردد در مورد ۱ از بند الف، بعد از «براساس شاخص‌های معتبر» عبارت «مبتنی بر الزامات منطقه‌ای و آمایش سرزمین» اضافه گردد.

۴/۶. پیشنهاد اصلاح بند «ب» ماده ۸۵

در بند «ب» ماده ۸۵، پس از عبارت «پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی، از طریق اصلاح برنامه‌ها»، عبارت «اصلاح ساختارها، تقویت برنامه‌ها و توانمندسازی همه جانبه گروه‌های در معرض آسیب از طریق متون درسی دوره آموزش عمومی و ...» اضافه گردد. حکم اصلاح شده اینگونه خواهد بود:

«پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی با اصلاح ساختارها، تقویت برنامه‌ها و توانمندسازی همه جانبه گروه‌های آسیب‌پذیر از طریق متون درسی دوره آموزش عمومی و پیش بینی آموزش‌های اجتماعی و ارتقای مهارت‌های زندگی با تأکید بر نظام یکپارچه پیشگیری در حوزه‌های دانش آموزی، دانشگاهی و کارگری».

۴/۷. پیشنهاد اصلاح بند «ج» ماده ۸۵

بند «ج» ماده ۸۵ این‌گونه اصلاح شود:

«احصاء و ابلاغ برنامه‌های کلان توسعه‌ای، کلان ملی و کلان محلی به دستگاه‌های اجرایی جهت الزام کارفرمایان و مجریان پروژه‌ها به تهیه پیوست اجتماعی پروژه‌ها توسط سازمان برنامه و بودجه».

۴/۸. پیشنهاد احکامی برای بند «ج» از ماده ۸۵

در بند «ج» از ماده ۸۵، عمدتاً بر بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مردمی در تأمین مالی برنامه‌ها تاکید شده است. این در حالی است که با توجه به تاکیدات دولت مستقر، بر مردمی‌سازی سیاست‌ها، توجه همه جانبه به نقش نهادهای مردمی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، اجراء، نظارت و غیره، ضرورتی انکارناپذیر است. از این رو احکام ذیل پیشنهاد می‌گردد.

«ایجاد ساختارها و نهادهای سازمان‌یافته برای مشارکت رسمی مردم در فرایند تصمیم‌گیری در حوزه آسیب‌های اجتماعی»

«ایجاد سازوکار و تضامین حقوقی و اداری مناسب برای مشارکت مردم و تشکل‌های مردمی در حوزه نظارت مردم در حوزه اجتماعی از طریق طراحی و استقرار سامانه رصد و گزارش‌دهی اجرای قوانین و برنامه‌های مرتبط با آسیب‌های اجتماعی»

«ایجاد سازوکار و تضامین حقوقی و اداری مناسب برای مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور مطالبه اصلاح انحرافات عملکردی دستگاه‌های اجرایی از سیاست‌های و برنامه‌های مرتبط با آسیب‌های اجتماعی».

۴/۹. پیشنهاد حکم ناظر بر کاهش آسیب‌های اجتماعی

در احکام پیشنهادی، با وجود الزام سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر بر سیاست کاهش آسیب به عنوان یکی از مهم‌ترین و بروزترین سیاست‌های حال حاضر، این مسئله مورد بی‌توجهی واقع شده است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد، حکم ذیل در مصوبات لحاظ گردد:

«ارزیابی عملکرد مراکز گذری کاهش آسیب (DIC) معتادین و گسترش آن به حوزه کودکان کار، بی‌خانمان‌ها، زنان بی‌سرپرست و اقلیت‌های جنسی».

۵

بررسی و تحلیل فصل ۱۹:
ارتقای نظام آموزشی

۵ بررسی و تحلیل فصل ۱۹: ارتقای نظام آموزشی**۵/۱. پیشنهاد اصلاح ماده ۸۷: اصلاح ردیف اول از جدول شماره ۲۰:**

اندازه‌گیری این سنج به صورت کمی بسیار با چالش رو به رو خواهد بود، چرا که باید مشخص گردد چه مقدار از محتوای هر کتب درسی باید مبتنی بر ساحت‌های ۶ گانه باشد که ما آن را تغییر نظر بگیریم. بنابراین کیفیت تغییر در کتب درسی بسیار مهم است. همچنین باید مشخص گردد که الان چند درصد کتب درسی مبتنی بر ساحت‌های شش گانه است که ما انتهای برنامه هفتم را ۱۰۰ درصد در نظر گرفتیم.

۵/۲. پیشنهاد اصلاح بند «الف» ماده ۸۸

با توجه به اینکه در حال حاضر در صحن مجلس شورای اسلامی طرحی با عنوان «تأمین نیروی انسانی آموزش و پرورش» در دستور کار می‌باشد. لذا باید نسبت این سند با آن مشخص شود. در صورتی که این سند با طرح مورد نظر در مجلس شورای اسلامی هم‌پوشانی داشته باشد، این بند باید حذف گردد. یا اگر هم موارد و ملاحظات وجود دارد، باید در طرح در دستور کار مجلس شورای اسلامی پیشنهاد و کنجانه شود.

۵/۳. پیشنهاد اصلاح بند «ب» ماده ۸۸

ابهام در میزان مدت دوره مهارت‌آموزی و یا دانشجو معلمی و نحوه تعیین دانشجویان واجد صلاحیت‌های عمومی و تخصصی و همچنین نوع مقاطع تحصیلی دانشجویان. بنابراین از یک طرف در اینجا باید دقیق مشخص گردد که مدت زمان دوره مهارت‌آموزی و یا دانشجومعلمی چند سال خواهد بود و از طرف دیگر مشخص گردد که دانشجویان واجد شرایط، چگونه (آزمون، معدل دوره تحصیلی، تراز قبولی در کنکور سراسری و ...) انتخاب خواهند شد. همچنین دوره تحصیلی (مقطع) دانشجویان هم در این بند مشخص نشده است. لذا پیشنهاد می‌گردد در حکم موارد مطرح شده به صورت دقیق مشخص گردد.

۵/۴. پیشنهاد اصلاح بند «پ» ماده ۸۸

اهداف کلی در برنامه‌ها نمی‌تواند باعث پیشرفت شود، در واقع هدف‌های تعیین شده در این نوع برنامه‌ها، باید قابلیت تبدیل به هدف‌های کوچک‌تر را داشته باشند تا قابلیت دستیابی به آنها و نظارت بر روند اجرایی آن آسان باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد ظرفیت پذیرش دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی به این دوره به تفکیک سالانه بیان شود.

۵/۵. پیشنهاد اصلاح بند «پ» ماده ۸۹

ابهام در نحوه تخصیص اعتبار، آیا منظور این است که مدارسی که از کیفیت آموزشی و تربیتی بالایی برخوردار هستند، باید بودجه بیشتری تعلق بگیرد، که این مصداق بی‌عدالتی و خود منجر به بی‌کیفیت‌تر شدن مدارسی می‌شود که نیاز به اعتبار بیشتری دارند تا بتوانند عملکرد خود را کیفیت ببخشند. لذا

پیشنهاد می‌گردد، حکم مورد نظر طوری بیان گردد که توجه به مدارس با کیفیت پایین تر توجه بیشتری شود.

۵/۶. پیشنهاد اصلاح بند «ت» ماده ۹۱

اعطای اختیارات اداری و مالی لازم، منظور از «لازم» در این ماده مشخص نمی‌باشد و لذا ضرورت دارد دقیق مشخص گردد که اختیارات اداری و مالی شامل چه مواردی می‌شود.

۵/۷. پیشنهاد الحاق ماده جدید

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در متن لایحه برنامه هفتم بدان توجه نشده است، بحث محتوای برنامه درسی است، که نیازمند بازنگری آن می‌باشیم.

۶

بررسی و تحلیل فصل ۲۰:
ارتقای نظام علمی، فناوری و پژوهشی

۶ بررسی و تحلیل فصل ۲۰: ارتقای نظام علمی، فناوری و پژوهشی

۶/۱. نکاتی درباره کلیات احکام:

- فقدان سازوکارهای اجرایی مشخص برای اجرای احکام؛
- نبودن شاخص‌های ارزیابی و زمان‌بندی مشخص برای اجرای برنامه.

۶/۲. پیشنهاد اصلاح ماده ۹۴

با توجه به اینکه «نقشه جامع علمی کشور» سند رسمی و مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد و اولویت‌های علم و فناوری کشور به تفکیک علوم و حوزه‌های مختلف در آن مشخص شده است اجرایی‌سازی و پیاده‌سازی این نقشه ضرورت دارد، و از آنجا که ظرفیت‌های سامانه نظام ایده‌ها و نیازها (نان) در حل مسائل کشور محدود می‌باشد و ممکن است با تغییر برنامه‌ها و سیاست‌های وزارتخانه، سامانه نیز موضوعیت خود را از دست بدهد، و همچنین با نظر به اینکه الگوی فعلی تأمین و تخصیص منابع مالی به نظام آموزش عالی و علم و فناوری بر اساس سرانه دانشجو و سرانه اعضای هیئت علمی و هزینه‌های جاری دانشگاه می‌باشد و به صورت مستقیم در اختیار دانشگاه قرار می‌گیرد و این نوع تخصیص منابع ارتباط مستقیمی با عملکرد آموزش عالی نداشته و دانشگاه‌ها را ملزم و متعهد به پاسخگویی به مأموریت‌های محوله نمی‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد ماده ۹۴ بدین صورت اصلاح گردد:

«به منظور ارتقای بهره‌وری و افزایش اثربخشی تحقیقات و پژوهش، نظام تأمین مالی تحقیقات دولتی (اعم از پروژه‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها) دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر دستگاه‌های اجرایی به نحوی اصلاح می‌گردد که تا پایان برنامه حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) منابع بودجه عمومی مربوط به این تحقیقات در قالب پروژه‌های تحقیقاتی هدفمند و اولویت‌دار مبتنی بر نیازها، مزیت‌ها و آینده‌پژوهی تحولات علمی و فناوری مندرج در اولویت‌های نقشه جامع علمی کشور و تخصیص آن از طریق نهادهای واسط نیازمحور - مسئله‌محور هزینه گردد. آیین‌نامه اجرایی این بند ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه، به پیشنهاد سازمان و با همکاری وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

- لازم است اصلاح لازم در تبصره ذیل این ماده نیز بر این اساس اعمال گردد.

۶/۳. پیشنهاد اصلاح ماده ۹۵

- در این ماده، سازوکار مشخصی برای متناسب‌سازی رشته‌های دانشگاهی با مشاغل ارائه نشده است و صرفاً به بیان گزاره‌های دستوری بسنده شده است؛

- رویکرد عرضه محوری در این ماده غلبه دارد و نقش دستگاه‌های طرف تقاضا، صنعت و بخش خصوصی در آن دیده نشده است. بستری برای مشارکت ذی‌نفعان مختلف وجود ندارد؛

- تنها به سطح کلان آموزش عالی اشاره شده و نشانه‌ای از نگاه سلسله‌مراتبی به استلزامات سطوح محلی و منطقه‌ای وجود ندارد؛

- آمایش صرفاً به صورت کمی در قالب تعداد دانشجویان رشته‌ها و مقاطع تحصیلی دیده شده و از جنبه‌های کیفی مانند محتواهای آموزشی، مباحث تربیتی و فرهنگی غفلت شده است؛
- کارکردهای دیگر آموزش عالی یعنی انجام پژوهش و تولیدات علمی و نیز ارائه خدمات به صنعت، مسئله‌محوری و پاسخ به نیازهای جامعه و صنعت در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی دیده نشده است.

با توجه به موارد فوق، پیشنهاد می‌گردد ماده ۹۵ بدین صورت اصلاح گردد:

«به‌منظور استقرار نظام آمایش، مأموریت‌گرایی و حل مسائل کشور و وحدت رویه و تقویت هماهنگی و همگرایی در روند توسعه آموزش عالی، پژوهش و فناوری کشور، شوراها گسترش آموزش عالی مکلفند ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه، طرح خود مشتمل بر نظام اجرایی، سازوکارها و فرایندها، اقدامات و شاخص‌های ساماندهی (ادغام / انحلال)، ایجاد، توسعه، مأموریت‌گرایی و برنامه‌ریزی مؤسسات، تعیین ظرفیت کل و سهم دانشجویان به تفکیک رشته، گرایش و مقطع تحصیلی و زیر نظام‌های آموزش عالی کشور، توزیع دانشجو در رشته، گرایش و مقاطع تحصیلی و نیز توسعه و ایجاد رشته، گرایش و مقاطع تحصیلی مورد نیاز در گروه‌های آموزش عالی، بازنگری و متناسب‌سازی برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی، فرهنگی و برنامه درسی و محتوای آموزشی و درسی و جذب هیئت علمی و فعالیت‌ها و خدمات دانش‌بنیان مبتنی بر ملاحظات آمایش آموزش عالی و آمایش سرزمین را در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و با مشارکت دستگاه‌های اجرایی، صنعتی، فرهنگی و اجتماعی و بخش خصوصی کشور تهیه و پس از تأیید سازمان برای طی سایر مراحل تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد نمایند.»

۶/۴. پیشنهاد اصلاح ماده ۹۷

پیشنهاد می‌شود ماده ۹۷ بدین‌گونه اصلاح گردد:

«وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند با هدف زمینه‌سازی انجام پژوهش‌های مأموریت‌گرا و مسئله‌محور و پاسخگویی به نیازها و مسائل کشور، تحقق مرجعیت علمی و سرآمدی جهانی در عرصه علوم و فناوری و ارتقاء شتاب علمی، شاخص‌های ارزیابی، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و آیین‌نامه‌ها و پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری مقررات مربوط به جذب، تبدیل وضعیت، ارتقاء، ترفیع، و آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها، نظام سنجش و انگیزش و نحوه ارائه خدمات موظفی اعضای هیأت علمی را بر اساس رویکرد مأموریت‌گرایی و مسئله‌محوری، شاگردپروری و استاد محوری اصلاح نمایند.»

۶/۵. مغایرت و تضاد برخی بندها و تبصره‌های ماده ۹۶ و ۹۸ با اهداف اصلی و عناوین این مواد

هر چند عناوین ماده ۹۶ و ۹۸ بر فعال‌سازی قابلیت‌های سرزمینی و موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و تعامل موثر با محیط بین‌المللی و منطقه‌ای و مردمی‌سازی نظام آموزش عالی پرداخته است، اما روح حاکم بر تدوین متن برخی از بندها و تبصره‌های ذیل ماده ۹۶ و ۹۸، ترویج جریان آموزه‌های

خصوصی‌سازی و پولی شدن آموزش عالی دولتی است و این رویکرد در تضاد با اصل ۳۰ ام قانون اساسی است. ارائه آموزش رایگان به رتبه‌های برتر دانشگاهی (۱۵ درصد بالا) و پولی شدن آموزش برای سایر دانشجویان، در مقابل عدالت آموزشی قرار دارد و منجر به تشدید فاصله طبقاتی می‌شود.

شایان ذکر است که تقریباً بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از آموزش عالی کشور دولتی رایگان است که دانشگاه‌های برتر کشور نیز در همین بخش قرار دارند. بنابراین، با پولی کردن حجم زیادی از این بخش آموزش عالی، عدالت آموزشی به شدت به خطر می‌افتد. هم‌چنین، دقیقاً مشخص نشده است که چند درصد دانشجویان مشمول تحصیلات رایگان می‌شوند. به نظر می‌رسد که در صورت تصویب نهایی این ماده، تنها بخش اندکی از دانشجویان (رشته محل‌های روزانه) دانشگاه‌های دولتی از تحصیل رایگان برخوردار خواهند بود و مابقی ملزم به پرداخت هزینه‌ها پس از فراغت از تحصیل هستند. منطق اتخاذ چنین تصمیمی صرفاً در صورت مهیا بودن برخی از پیش‌نیازها قابل پذیرش است. اما در شرایط کنونی که طبق آمارهای سازمان سنجش آموزش کشور ۸۴ درصد از رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ و ۸۶ درصد از کل دانشجویان رشته‌های پزشکی از ۳ دهک برخوردار هستند^۱، اجرای چنین سیاستی مناقشه برانگیز و پراشکال و در تضاد با عدالت آموزشی خواهد بود.

با وجود مطالبی که ذکر شد، لازم است هرگونه تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری که خواسته یا ناخواسته منجر به کاهش عدالت آموزشی گردد، کنار گذاشته شود. لذا، هرگونه تغییر در شیوه کنونی تأمین و تخصیص منابع مالی آموزش عالی بایستی پس از بررسی‌های عالمانه دقیق و کافی و با در نظر گرفتن کلیه زمینه‌ها، شرایط و پیامدهای آن انجام شود که در فرصت اندک کنونی برای تصویب برنامه هفتم در مجلس شورای اسلامی میسر و مقدور نیست. از این رو، پیشنهاد می‌گردد تا ماده ۹۶ از پیش‌نویس برنامه هفتم توسعه کشور حذف گردد.

بین‌المللی شدن آموزش عالی و تعامل با محیط بین‌المللی و منطقه‌ای نیز صرفاً با هدف تأمین منابع مالی آموزش عالی و با رویکرد انفعالی و تن دادن به روندهای جهانی آموزش عالی دیده شده است.

۶/۶. پیشنهاد الحاق یک ماده به فصل ۲۰: ارتقاء نظام علمی، فناوری و پژوهشی

ساختارهای سنتی دانشگاه‌ها مانند دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها و خروجی‌ها آنها اعم از نیروی انسانی و تولیدات علمی جوابگوی مسائل پیچیده و چندوجهی که جامعه با آن روبرو است، نمی‌باشد. یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تسریع و تسهیل‌کننده و تجربه‌شده و موفق برای این موضوع، که به عنوان حلقه میانی بین دانشگاه، جامعه و صنعت و دستگاه‌های اجرایی کشور عمل می‌کنند، «ایجاد ساختارها میانی» می‌باشد. به نظر می‌رسد، نظام آموزش عالی در ایران باید به این مهم توجه کند. اگر از آموزش و پژوهش «مسئله‌محور» و «حل‌کننده مسائل جامعه» سخن می‌گوییم و دانشگاه کارآمد را «مبدأ همه تحولات» می‌دانیم، یکی از لوازم آن و مهم‌ترین عرصه‌های این نقش‌آفرینی، تدبیر چنین سازوکارهایی است. در اینجا به طور مشخص ساختاری که به عنوان حلقه میانی بین دانشگاه، جامعه و صنعت و دستگاه‌های اجرایی کشور عمل می‌کنند،

پیشنهاد «ایجاد و توسعه اندیشکده‌ها / مدارس / دانشکده‌های حکمرانی و سیاست‌پژوهی» است. برای اندیشکده‌ها / مدارس / دانشکده‌های حکمرانی و سیاست‌پژوهی که رسالت اصلی آنها تولید فکر و اندیشه و ارائه راه‌حل‌های سیاستی و اجرایی برای جامعه و دستگاه‌های اجرایی کشور و پرورش و تربیت حکمرانان و کارگزاران حکیم و خردمند است، هنوز در ساختارهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آئین‌نامه‌ای که مسیر و سازوکار مشخصی را برای اعطای مجوز تأسیس، ارزیابی و نظارت اینگونه مؤسسات معین کرده باشد، دیده نمی‌شود. بی‌توجهی به این مهم، امکان بهره‌گیری از شایستگی‌ها، خبرگی‌ها، استعدادها و توانمندی‌های گوناگون آحاد مردم، به‌ویژه جوانان را در عرصه حیاتی و سرنوشت‌ساز «حکمرانی» و «مملکت‌داری» را تضعیف می‌نماید. از این‌رو، تدبیر سازوکار تأسیس اندیشکده‌ها / مدارس / دانشکده‌های حکمرانی و سیاست‌پژوهی (دانشگاهی، وابسته به دستگاه‌های اجرایی - حاکمیتی) ضروری است تا افراد با پیمودن دوره‌های لازم و ضروری «استعدادسنجی»، «پرورش تربیتی - نگرشی - بینشی»، «مهارت‌آموزی و توانمندسازی» و «کسب دانش‌های ضروری»، آگاهی و توانمندی لازم برای حل مسائل عمومی و تصمیم‌گیری درباره آنها را به‌دست آورده باشند.

متن ماده پیشنهادی:

«به منظور ارتقای بهره‌وری و اثربخشی پژوهش‌ها و مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور، ترویج نهضت مشارکت و نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی، مردمی و نخبگانی، دستگاه‌های اجرایی و حاکمیتی در حل مسائل و پیشرفت کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مکلف است ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه، آئین‌نامه تأسیس، ساماندهی، نظارت و حمایت از فعالیت مراکز و مؤسسات سیاست‌پژوهی، اندیشگاهی، مطالعات راهبردی و دانشکده‌ها و مدارس حکمرانی را ظرف مدت شش‌ماه پس از ابلاغ برنامه، تهیه نموده و به تصویب شورای عالی انقلاب برساند».



**بررسی و تحلیل فصل‌های ۲۱ و ۲۲:
سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی**

۷ بررسی و تحلیل فصل‌های ۲۱ و ۲۲: سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی

۷/۱. کم توجهی به مسائل روز ایران در منطقه و نظام بین‌الملل

یکی از مسائلی که در این بخش وجود دارد، فقدان توجه به مسائل روز ایران در منطقه و نظام بین‌الملل است. تحولات جهانی در سال‌های اخیر به خصوص از زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین، نشان‌دهنده حرکتی جهت تغییر در ساختار نظام بین‌الملل از سوی شرق (چین و روسیه) بوده است. بالطبع، ورود به این دوران گذار در نظام بین‌الملل، فرصت‌ها و تهدیدات خاص خودش را برای کشورها - مخصوصاً برای ایران به عنوان کشوری که یک دهه تحت شدیدترین فشارها از سوی غرب بود- دارد؛ اما در این سند هیچ اشاره به آن‌ها نشده است. به عنوان مثال، آغاز رقابت‌های کریدوری در منطقه جنوب‌غرب آسیا که بخشی از آن جزو برنامه BRI چین است و برنامه‌های ایران پیرامون آن در سند، نه در بخش سیاست خارجه و نه در بخش اقتصادی مشخص نشده است. این درحالی است که این فرصت «بالقوه» مسیرهای کریدوری برای ایران تحت تحریم، بسیار حائز اهمیت است. در این دوران گذار، نحوه ارتباط ما با آمریکا نیز اهمیت دارد. ایران به عنوان کشوری که مدت‌هاست زیر فشار تحریم قرار گرفته و حال با ظهور شرق به مثابه ابرقدرت نوظهور جهانی مواجه است، چه تصمیمی برای تحریم‌های آمریکا و نحوه رفع/خنثی‌سازی آن‌ها دارد؟ این اقدام از چه مسیری (توافق موقت - احیای برجام یا مسیری دیگر) صورت می‌پذیرد؟

سایر تحولات سیاسی منطقه نیز مسئله دیگری است که ضروری بود جهت‌گیری دولت در خصوص آن در برنامه هفتم دیده می‌شد. راهبردهای آینده ایران در موضوع مخاطرات امنیتی ایران از جانب برخی کشورهای منطقه و ارتباط آن‌ها با اسرائیل، روابط با کشورهای عرب منطقه به عنوان بازیگرانی که مدت طولانی روابط تنش‌زا با آنها داشته‌ایم، نکته دیگری است که در سند دیده نمی‌شود. عدم توجه به مسائل اساسی موجود در منطقه و نبود جهت‌گیری مبنای در مورد آن‌ها در لایحه برنامه هفتم توسعه درحالی است که محتوای این سند مملو از اقدامات جزئی است که جایگاهشان در یک کلیت منسجم مشخص نشده است؛ همچون اشاره به کمک در بازطراحی بندر چابهار (بند خ از ماده ۱۰۱) بدون توجه به مسئله برنامه ایران در مورد کریدورها.

ممکن است اظهار شود که مسائل مطرح شده، هم‌اکنون در اقدامات سیاست‌خارجه ایران مشاهده می‌شود یا طرح آن‌ها با محدودیت‌های امنیتی-سیاسی مواجه است. علی‌رغم اینکه که این نکات تاحدی صحیح هستند؛ اما به سه دلیل چیزی از اهمیت مطرح کردن آن‌ها لایحه برنامه توسعه هفتم نمی‌کاهند. نخست اینکه اگر قرار باشد این مسائل در سند مطرح نشود و محتوای برنامه توسعه به گزاره‌های کلی یا مسائل بشدت جزئی و به چند ماده خلاصه شود، در آن صورت باید پرسید که ارزش ارائه اینگونه اسناد چیست؟ دلیل دوم در عدم اشاره جامع به این مسائل در برنامه هفتم توسعه است که می‌تواند ناشی از نبود ذهنیت منسجم و باین برنامه بین تصمیم‌گیران و سیاستمداران باشد و در نهایت به اقدامات پراکنده در عمل منتهی می‌شود. اینگونه اسناد، می‌توانند نشان‌دهنده این باشند که دولت مستقر چه جهت‌گیری‌های اساسی

درباره تحولات منطقه دارد. اما برنامه هفتم توسعه درباره تمامی این تحولات سکوت کرده است. همچنین هنگامی که جهت‌گیری‌ها و راهبردها به صورت مشخص بیان نشوند، بررسی و نقد آن‌ها از سوی جامعه نخبگانی نیز با مشکل مواجه می‌گردد. این مسائل مطرح شده، مواردی نیستند که برای نخستین بار در برنامه توسعه مشاهده شده باشند. باین‌حال، اصرار بر ادامه رویه‌های غلط گذشته در تدوین برنامه‌های توسعه، امری غیرمعمول است.

۷/۲. پیشنهاد اصلاح ماده ۱۰۰ با توجه به نقش سازمان صدا و سیما و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

در فصل ۲۱ در خصوص سیاست خارجی به نقش صداوسیما جمهوری اسلامی ایران توجه نشده است. پیشنهاد می‌شود ذیل ماده ۱۰۰، جهت اجرای اهداف مدنظر برای کنشگری در دیپلماسی رسمی و عمومی، نقش معاونت برون مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مدنظر قرار بگیرد.

۷/۳. پیشنهاد اصلاح ماده ۱۰۰ با توجه به نقش نهادهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی کشور

پیشنهاد می‌شود در فصل ۲۱ ذیل ماده ۱۰۰ بند ب؛ نهادهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی کشور برای ارائه اطلاعات لازم در خصوص موضوعات مدنظر این بند با رعایت کلیه اصول حفاظتی به مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه ای وزارت امور خارجه و معاونت برون مرزی صداوسیما ملزم شوند.

۷/۴. پیشنهاد الحاق یک بند به ماده ۱۰۳ در خصوص

با توجه به زمان بر بودن تمهیدات پیش‌بینی شده در زمینه امنیت رایانیک و تهدیدات متعدد و مختلف در این حوزه پیشنهاد می‌شود در فصل ۲۲ ذیل ماده ۱۰۳ بعد از بند ج یک بند به این صورت اضافه شود: «دستگاه‌های اجرایی ظرف شش ماه از ابلاغ این برنامه مکلفند به منظور ارتقاء دفاع رایانیک (سایبری) و تأمین پدافند و امنیت رایانیک برای زیرساخت‌های کشور، تمامی داده‌های غیر عمومی و غیر قابل دسترس برای همگان را از سرورهای برخط و یا متصل به شبکه اینترنت بردارند و هر گونه دسترسی به این اطلاعات از طریق اینترنت تا تصویب طرح جامع توسعه قدرت نرم دفاعی و رایانیک و مقابله با جنگ نرم و تعیین تکلیف نهایی، قطع شود.»

۷/۵. پیشنهاد الحاق ماده یا بند به منظور ملاحظه نقش برای شورای هماهنگی اطلاعات کشور

پیشنهاد می‌شود در کلیت فصل ۲۲ و خصوصاً ماده ۱۰۳ نقش برای شورای هماهنگی اطلاعات کشور لحاظ شود به طوری که تشکیل پیوسته این شورا، هماهنگی اطلاعاتی و عملیاتی و همچنین مطالبه گزارش از اقدامات ماهیانه و فصلی آن در راستای اهداف مدنظر فصل ۲۲ برای ارائه به شورایی عالی امنیت ملی در بندهای مختلف این ماده ذکر شود.



بررسی و تحلیل فصل ۲۴:
تحول قضایی و حقوقی

۸ بررسی و تحلیل فصل ۲۴: تحول قضایی و حقوقی

۸/۱. کم توجهی به سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه در بخش قضایی

توجه به سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه و پیاده نمودن آنها در برنامه از جمله ضروریات امر است. بررسی برنامه هفتم توسعه نشان می‌دهد که موارد مهمی از سیاست‌های کلی مربوط به این برنامه یا به صورت شایسته مورد توجه واقع نشده و یا مغفول مانده است که در ادامه بدانها پرداخته می‌شود:

۸/۱/۱. پرداخت ضعیف به موضوع پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی:

در خصوص این حکم از سیاست‌های کلی برنامه هفتم صرفاً به یک بند (ژ) در ماده ۸۵ قانون اکتفا شده است که در آنجا نیز فقط یک هدف‌گذاری غیر دقیق ذکر شده است. در صورتی که پیشگیری از جرم مسئله خیلی مهمی است که توسط دستگاه‌های مسئول مورد غفلت واقع شده است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود تا در متن قانون بر نکاتی همچون، هماهنگی و تقسیم کار بین شورای اجتماعی کشور و شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم و تدوین برنامه ملی پیشگیری از وقوع جرم حاوی نگاهت نهادی و تقسیم کار ملی تاکید شود.

۸/۱/۲. پیشنهاد الحاق مواد یا بندهای مرتبط با موضوعات زیر در فصل ۲۴:

- استفاده از ظرفیت‌های مردمی و توسعه روش‌های مشارکتی و غیرقضایی در حل و فصل دعاوی؛
- بالا بردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی ضابطان دادگستری؛
- بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان.

۸/۲. اصلاح بند «الف» ماده ۱۱۳:

استفاده از عبارت «امور فاقد پیچیدگی» در این بند برای استفاده از هوش مصنوعی در امور قضائی زائد می‌باشد. در حال حاضر هنوز حدود قدرت و امکانات این فناوری برای ما نامشخص است و ممکن است بزودی این امکان فراهم شود تا حتی در امور پیچیده نیز از آن استفاده شود و این امر مزایایی از جمله سهولت دادرسی، کاهش اطاله دادرسی، تسهیل خدمات به مردم و... را به ارمغان آورد. بنابراین و با توجه به تأکید مقام معظم رهبری در خصوص هوش مصنوعی، بهتر است عبارت امور فاقد پیچیدگی از این بند حذف شود و در این خصوص مجریان و سیاستگذاران مربوطه به نوشتن برنامه جهت استفاده از این فناوری در امور قضائی ترغیب شوند.

در قسمت آخر این بند نیز عبارت «هوشمندسازی فرآیندها و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در ارائه خدمات قضایی» آمده است که عیناً همان عبارت موجود در بند ۲۶ سیاست‌های کلی برنامه هفتم می‌باشد و در واقع این سیاست تبدیل به برنامه نشده است، بلکه عیناً دوباره بصورت سیاست آورده شده است. این نوع نگارش برخلاف اصول نوشتن برنامه توسعه‌ای است و می‌بایست اصلاح شود.

۸/۳. اصلاح بند «ب» ماده ۱۱۳:

تعیین بازه زمانی ۵ ساله برای تبدیل پرونده‌های قضائی از کاغذی به الکترونیکی آن هم در قرن و عصر حاضر زمان که تکنولوژی با سرعتی سرسام‌آور در حال رشد و پیشرفت است ارفاقی نابجا و غیرحق به قوه قضائیه می‌باشد و به تزییع حقوق مردم و بیت‌المال منجر می‌شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود برای این ماموریت به قوه قضائیه فرصتی نهایتاً دو یا سه ساله داده شود.

ما دنبال چه نوع توسعه‌یی هستیم؟ این نکته‌ی اساسی، در بحث‌های اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هر جا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل‌های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ.

سخنرانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار نمایندگان هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳/۰۳/۲۷)

تهران، بالاتر از چهارراه ولیعصر (عج)، خیابان بزرگمهر، خیابان سرپرست، پلاک ۱

۰۲۱-۶۶۹۷۴۳۲۸

www.hekmatac.ir

@hekmatac_ir



نشانی:

شماره تماس:

وبسایت:

درگاه مجازی:

